

۱۳۶۴۴۱۸

اریک فروم

❖

رسانات زیگموند فروید

❖

ترجمه‌ی عزالدین معنری



سرشناسه:
 عنوان و پدیدآور:
 مشخصات نشر:
 مشخصات ظاهری:
 شابک:
 وضعیت فهرست نویسی:
 موضوع:
 شناسه افزوده:
 رده بندی کنگره:
 رده بندی دیویی:
 شماره کتابخانه ملی:

Fromm, Erick فروم، اریک ۱۹۰۰ - ۱۹۸۰ م.
 رسالت زیگموند فروید / اریک فروم، ترجمه عزالدین معنوی
 تهران: جامی، ۱۳۹۵.
 ۱۹۲ ص.
 978-600-176-137-9
 فیبا
 فروید، زیگموند ۱۸۵۶ - ۱۹۳۹ م.
 معنوی، عزالدین - ۱۳۱۱ - مترجم.
 الف ۱۳۹۵ ۵ر۴۵۵ / ف ۱۷۳ BF
 ۱۵۰/۱۹۵۲
 ۴۴۵۷۸۲۲



خیابان دانشگاه، پلاک ۱۰، ریحان نظری، شماره ۵۲

تلفن: ۸۵۱ - ۶۶۴۶ - ۲۲۳ - ۶۶۴۰

www.Jamipub.com info@jamipub.com

رسالت زیگموند فروید

اریک فروم

ترجمه: عزالدین معنوی

چاپ اول (جامی): ۱۳۹۶

شمارگان: ۴۰۰ جلد

چاپ: فراین

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۶-۱۳۷-۹

ISBN: 978 - 600 - 176 - 137 - 9

۱۶۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۵		مقدمه
۱۱		فصل اول: حقیقت پرستی و شهامت فروید
۲۱		فصل دوم: ارتباط فروید با مادرش
۳۱		فصل سوم: روابط عاشقانه فروید با زن ها
۵۵		فصل چهارم: وابستگی فروید به مردها
۷۵		فصل پنجم: روابط فروید با پدرش
۸۵		فصل ششم: حاکمیت و تسلط طلبی فروید
۹۵		فصل هفتم: فروید مصلح اجتماعی
۱۱۹		فصل هشتم: جنبه های تقریباً سیاسی نهضت پسیکوتالیز
۱۴۱		فصل نهم: معتقدات مذهبی و سیاسی فروید
۱۶۱		فصل دهم: خلاصه و نتیجه

مقدمه

کتابی که در دسترس خوانندگان عزیز است روانکاوی و تحلیل روانی از شخصیت فروید توسط اریک فروم^۱ روانشناس دانشمند و محقق آمریکایی است.

همه می‌دانند که فروید مکتب روانکاوی را پایه‌گذاری کرد و تاکنون هیچ نهضت درمانی به این وسعت جنبه همگانی و عالمگیر پیدا نکرده است. مطالعات و نظریات فروید راجع به شخصیت انسانی موجب شده است که افراد را همانطور که هستند بشناسیم و به اعماق افکار و مکانیسم‌های رفتار آنان پی ببریم.

اگر قرار باشد داروین را به عنوان معرف اصل تکامل انواع بشناسیم، فروید را باید مردی نابغه و مبتکر و واضع مکتب روانشناسی و رفتارشناسی بدانیم و اگر جانب اغراق را نگیریم باید بگوییم تاکنون هیچ نهضتی جز فرویدیسم نتوانسته است جمود و دوگماتیسم روانپزشکی توصیفی از زمان ارسطو تا کرپلین را تغییر دهد. زیرا او روان‌پزشکی دینامیک را بنا کرده و علل علائم روانی

را تعقیب نموده و برای از بین بردن نشانه‌های بیماری چاره‌اندیشی کرده است. اگر ژان ژاک روسو گفته بود: «قرن نوزدهم قرن فاتحه آزادی در جهان است» چون وی جرعه‌هایی از افکار آزادخواهانه را پس از قرون وسطی ملاحظه کرده بود و به خوبی دریافته بود که بسط و توسعه علوم و روانشناسی سبب شده است که بتوانند اساس افکار عمومی را در اجتماعات مختلف عوض کنند. او دریافته بود که به این وسیله حتی می‌توان محتویات ذهنی گروه‌های مختلف مردم را تغییر داده، تعویض کرد یا مسایل دیگری را در اذهان عمومی به جای باورهای متداولی جانشین نمود.

واقعیت این است که نظریات روسو در قرن اخیر تحقق یافته و راهنمایی‌ها و فرمول‌های روانشناسان در مطبوعات و دستگاه‌های تبلیغاتی و خبری ملل عالم آنها را قادر ساخته که بتوانند افکار عمومی را تا حدود زیادی تغییر دهند و حتی تحولاتی را که در شرف تکمیل هستند سد نمایند.

قبل از فروید نیز افراد بصیری، به سئوال روانکاوی تا حدودی آشنایی داشته‌اند، ولی شخصیت زیگموند فروید به این اطلاعات شکل و قالب علمی بخشید و از این درخت کهن، شاخه‌های مختلف نیز منشعب ساخته است.

فروید اصول و فن پسیکانالیز را به مردم جهانی کرده است و آگاهی از این فن سبب شد که پس از او روانکاوان از همین سلاح استفاده نمایند و شخصیت فروید را از لابه‌لای نامه‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند.

دکتر جونز دوست و همکار فروید در کتاب قطوری به چنین کاری اقدام کرد. ولی فروم روانشناس و مبتکر و محقق بزرگ اجتماع امریکادر این کتاب او را همانطور که بوده تا حدودی معرفی کرده است.

در این کتاب فروم فروید را نابغه‌ای می‌شناسد که برخلاف سایر نوابغ پس از موفقیت و کسب قدرت با همکاران و نردبان‌های ترقی سازش نکرده و نظریاتش را تعدیل ننموده است زیرا او همیشه صریح است و جانب

محافظه کاری را رعایت نمی‌کند.

اریک فروم اشخاصی مانند فروید^۱، کانت^۲، نیچه^۳، داروین^۴، کیرکگارد^۵، برگسون^۶، جویس^۷ و پیکاسو^۸ را از نظر کنار زدن پرده‌های ابهام حقیقت و تکیه بر واقعیات در یک ردیف می‌شناسد.

همه می‌دانند که ارسطو (تحت حمایت) اسکندر بوده است و داروین در حمایت ترماس هوکسلی و، گوته تحت حمایت دوک وایمار و با آنکه فروید را به هجو^۹، پروتزه (تحت حمایت) بزرگان عصر نمی‌شناسد ولی توقع او را از همکارانش که هیچ‌یک به درخواست او را کمک و حمایت کنند نشان داده است.

فروم معید است که فروید از سرنوشت ویژه‌ای برش یافته سرشتی که از یک طرف به حقیقت ایمان دارد و قاطع است و از طرف دیگر حاضر به پذیرفتن نظریات بینابین نیست را رقصارت‌های دوجانبه تفر دارد و در ضمن اینکه او را مستبدالرأی و Authoritarian می‌شناسد وی را شخصی رئوف و مهربان و اخلاقی به بستگان معرفی می‌کند.

فروم معتقد است که غالب مردم شهادت و شجاعت دارند، ولی آن را بروز نمی‌دهند چون برای نشان دادن شهامت به شجاعت و شهامت دومی نیاز است که این شهامت نیز در شخصیت فروید نهفته باشد، همان‌هیجگاه جانب محافظه کاری در نظرات علمی را نپذیرفته است.

با آنکه فروید اصل لذت^۹ را در افراد ابتدایی و اطفال تثبیت کرده ولی خودش از اصل لذت ترک پیروی نموده و معتقد است لذت نیستی که مسایل جنسی را به طور صریح و بی‌پرده بیان می‌کند یقیناً خودش از نظر جنسی پاک و وارسته بوده است.

فروم می‌گوید قرن هیجدهم قرن روشنفکران بوده و با آنکه فروید در اواخر قرن نوزدهم می‌زیسته است او را فرزند قرن هیجدهم می‌شناسد و از نظر

1. Freud

2. Kant

3. Nitzsch

4. Darwin

5. Kierkegard

6. Bergson

7. Joyce

8. Picasso

9. Pleasure principle

اخلاقی او را معتقد به اصول و مبانی اخلاقی عصر ویکتوریا (عصر عفت و عصمت) معرفی می‌کند.

در این کتاب فروم نشان می‌دهد که برای خود فروید هم آرشیپ‌هایی (سنخ‌های باستانی‌ای) مهم بوده‌اند و از جمله سنخ‌های (آرشیپ‌های) مهمی که فروید به طور ناخودآگاه می‌خواسته است خود را با آنها همانند کند عبارت از: هایپال همیلکار، یکی از سرداران ناپلئون، ویلیام فاتح، کریستف کلمب و در چند مورد حضرت موسی می‌باشد. زیرا در بعضی نوشته‌هایش وی یونگ را به عنوان جوشوا (Joshua) که باید نهضت روانکاوی را عالمگیر کند معرفی نموده است. رزوان دیگر وقتی به او می‌نویسند که یونگ انجمن (نهضت) روانکاوی را ترک کرده و باسخ می‌نویسد هیچ کس تاکنون نپرسیده که چه کسانی همراه کریستف کلمب، امریکا را کشف کرده‌اند.

در این کتاب فروم مردم را در دو دسته متضاد یکدسته آنها که از دریافت کردن و گرفتن کام می‌جویند (Receptor) و دسته دیگر آنانکه از دست دادن و در اختیار دیگران گذاشتن لذت می‌برند (دهنده یا Donor) تقسیم نموده و معتقد است با آنکه فروید علم پسیکانالیز را به مردم عرضه داشته فردی Receptor بوده است و از گرفتن عقاید دیگران برای غنی کردن نظریاتش استفاده می‌کرده و لذت می‌برده است.

در این کتاب نشان داده شده که فروید از احساس امنیت کامل Security برخوردار نبوده و به علت اینکه در اقلیت مذهبی یهود قلمبسته و از عدم امنیت اقتصادی که بعدها در خانواده‌اش ایجاد شده ناراحت بود در همین عوامل سهمی بزرگ در فعالیت علمی و کشفیات وی داشته است.

محتویات این کتاب نشان می‌دهد که فروید افراد را به غیر از دارا بودن شخصیت انسانی دارای شخصیت حیوانی نیز می‌شناسد و معتقد بوده است که به همه انسان‌ها نمی‌توان اعتماد و اعتقاد بی‌چون و چرا نمود و به این علت اصل پرستش افراد در ذهنش مقام والا بی‌نداشته است.

در این سطور علاقه و عواطف جنسی فروید به زنان مثل همه افراد دیگر به

شکل مجذوب شدن (جذب) و پس از چندی به صورت راندن و بی‌علاقگی (دفع) نشان داده شده است و به نظر فروید زنان افرادی ناتوان و زیون‌تراز مردها بوده‌اند و حتی بر نظریه جان استوارت میل که معتقد بود زنان نیز می‌توانند همانند مردان برای معیشت خانواده کار کنند و سهم شونند خرده گرفته و می‌گوید: نظریه جان استوارت میل مانند بچه مرده‌ای است که تازه به دنیا آمده است و در همه نوشته‌هایش تسلط (Dominance) مردان بر زنان حکمفرما است و حتی توصیف عقده اختگی Castration Complex زن‌ها را به صورت مرده‌ای اخته شده نگاشته کرده است و در مورد دوجنسی بودن Bipolarité که همکاری فیسر به عقده با آنکه فروید آن را پذیرفته است ولی این مطلب را از نظریاتش حذف کرده است.

علاقه فروید به میل، یاس و سوسیالیسم به علت علاقه شدیدش به هاینریش براون و آلفرد ویکتور هرمان سوسیالیست‌های اتریش مشخص شده است.

فروم می‌گوید که: فروید ابتدا به جمعیت برادری و سپس به حزب سوسیالیست اتریش پیوسته است و به علت عدم موفقیت در آن جمعیت‌ها از گفته ویرژیل^۱ شاعر معروف رومی که گفته بود: «اگر من نمی‌توانم کمر آسمان را خم کنم و به زمین برسانم یقیناً جهنم را زیر و رو خواهم کرد» فریاد این عبارت را در چند نوشته‌اش از لاسال^۲ نقل قول کرده و استفاده نموده. فریاد نهضت پسیکانالیز (روانکاوی) را ابداع کرده و از این نهضت به طور ناخودآگاه به عنوان یک دستگاه سیاسی و شبه مذهبی استفاده کرده است و همانطور که سامنشیان افراد تعلیم‌دیده به نام ساتراپ و فرانسوی‌ها به نام Domini Dornici به قسمت‌های مختلف و ایالات می‌فرستاده‌اند وی نیز از وجود روانکاوان روانکاوی شده می‌خواسته برای جهانی کردن نهضت پسیکانالیز استفاده کند. در این متن نظرات فروید راجع به اصلاح افراد انسانی و قوی‌تر کردن مهارها و ترمزهای شخصیت انسانی بر حیوانی به خوبی توضیح داده شده است و بر

آنهايي که فروید را به عنوان یک پان سکسوالیست مورد ایراد و شماتت قرار می داده اند روشن کرده است که وی چه نظریات مفید و وسیعی برای اصلاح و تربیت افراد انسانی داشته است و بحق می توان از او به عنوان یک اصلاح طلب و (Reformist) نام برد و او در حقیقت به تربیت و کمال افراد انسانی بیشتر از اعمال نظرات تند و خشونت آمیز اعتقاد و ایمان داشته است.

در این کتاب در مواردی فروید همانطور که بوده نشان داده شده است و اگر خرد گیرانی می خواهند از اریک فروم انتقاد نمایند که چرا در بعضی موارد شخصیت فروید را تحقیر کرده است شاید به علت غبطه و رشکی است که مؤلف بر آنه کتاب روانکاوی داشته است و چه بسا روانکاوی هایی می بینیم و می خوانیم که نیاز به روانکاوی، مجدد روانکاوی دارند به هر صورت در تهیه این کتاب که به زبان روشنائی تألیف شده بود سعی شده است که تمام مطالبی که اریک فروم به زبان روانشناسی و علمی بیان کرده در پاورقی به زبان عامه تهیه و در دسترس خوانندگان قرار گیرد. خوانندگان بر مسایل مورد بحث در کتاب، آگاهی بیشتری حاصل نمایند. در اینجا لازم می دانم از زحمات ارزنده دوست عزیز و ارجمندم جناب آقای کریم ابرخیزی که در تهیه منابع و مأخذ این کتاب از همکاری و کمک های لازم دریغ نکرده اند تشکر نمایم و امید چنین است که این مجموعه بتواند تا حدودی نکات ابهام در روانشناسی و روانکاوی را بر همگان روشن نماید.

دکتر عبدالمن معنوی